



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۸/۰۳

پوهاند نصرالله ستانکزی

برگ های از تاریخ حقوق افغانستان

(قسمت سی و نهم)

تضمین حقوق زنان در نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری عصر امانیه

در زمره نظامنامه های دوره امانیه یکی هم « نظامنامه نکاح ، عروسی و ختنه سوری » بود ؛ که دارای یک مقدمه و ۲۲ قاعده در روشنایی احکام فقه حنفی بعد از تایید علمای منتخب در لویه جرگه ، علمای جید آن دوران هریک مولوی محمد ابراهیم خادم العلماء ، مولوی عبدالحی رئیس تمیز ، مولوی عبدالخالق صدیقی دیوبندی و مولوی گلدست خان ؛ نافذ گردید . در آن نظامنامه در کنار سایر موضوعات برای تامین حقوق زنان در دوران نکاح و بعد از آن نصوص صریح درج گردیده بود . در آغاز هدف از وضع آن نظامنامه چنین بیان گردیده : « چون بسیاری دعاوی و منازعات از باعث کش مخارج معاملات نکاح و عروسی و ظلم و تعدی شوهران در حق زنان عاجزه در محکمه شرعیه بکثرت وقوع می یافتند ، بنابر انسداد ظلم و رفع منازعه و مناقشه و مساوات زن ها در حقوق که مطابق شرع شریف و موافق مذهب حنیف است ، قواعد ذیل را امر فرمودیم .»

در نظامنامه نکاح ، عروسی و ختنه سوری ، تعدد زوجات بشرط تامین عدالت پذیرفته شده بود ، و در صورت عدم رعایت عدالت و در صورت ثبوت عدم رعایت عدالت در بین زوجین ، برای زوج جزای تعزیری پیش بینی شده بود ، چنان که قاعده دوم آن نظامنامه چنین صراحت داشت : « کسانی که دو زن یا سه و چهار زن داشته باشند و یا جدید عقد نمایند و مطابق شرع شریف عدل و مساوات نکنند و به محکمه اطلاع برسد بعد الاثبات تعزیراً به جزا محکوم می شوند و کسانی که علاوه از عدم مساوات و عدل که در بالا نشان داده شده بجبر و شدت اینچنین زن های عازضات را از رفتن محاکم عدلیه مانع می شوند و یا ولی این زن های عازضات را به جبر و شدت مانع شوند تعزیراً بجزا محکوم می شوند . »

در نظامنامه مذکور بد دادن زن قدغن گردیده بود ، چنان که در قاعده ۶ آن چنین تصریح به نظر می رسد : « رسوم بد دادن یا زن را به جبر و کره بمیراث گرفتن و عیال شخصی موروثه خود دانستن مطلقاً ممنوع و موقوف است . »

هم چنان در نظامنامه نکاح ، عروسی و ختنه سوری ، در مورد مخیر بودن زنان مطلقه و بیوه برای ازدواج مجدد ، در قاعده ی هفتم آن چنین می خوانیم : « زن بیوه و مطلقه را کسی از شوهر کردن به تخویف و تهدید منع نکند . »

در مورد خیار بلوغ صغار در قاعده نهم نظامنامه فوق الذکر چنین تصریح شده بود : « ناکح و منکوحه که صغار باشند ولی قریب یعنی پدر و جد صحیح که بدهد فسخ قبول نمیکند و اگر دیگر ولی او داده بود در حین بلوغ اختیار فسخ دارد.»

یکی از موارد دیگر عقد نکاح توأم با اجبار در نظامنامه بود ، که نظامنامه مذکور علاوه بر آن که انرا فاقد اعتبار میداند ؛ ملا و شخصی که با جبر آن را انجام می دادند ، مجرم می شناخت ، در این خصوص قاعده ۱۸ نظامنامه مذکور چنین مشعر بود : « بدون از رضای ناکح و منکوحه بالغین اگر شخصی کسی را جبرا به شخصی داده بود جابر و ملای عقد کننده تعزیر می شوند.» در مورد تعیین مجازات تعزیری متخلفین نظامنامه نکاح ، عروسی و ختنه سوری ؛ مراجع ذیل صلاحیت اصدار حکم را داشتند ؛ قاعده بیستم « فیصله و تعیین مجازات تعزیری مواد این نظامنامه در نایب الحکومگی ها و حکومتی های اعلی بذریعه قضات کوتوالی فیصله و اجرا می شود و بدیگر مواضع بمحاکم ابتدایی فیصله میگردد .»